

نقد منصفانه از دیدگاه دکتر احمد توکلی

غرض ورزی نکنیم!

دکتر احمد توکلی، هیچ‌گاه در نقدهای خود با کسی تعارف نداشت و هر جا لازم بود با تکیه بر علم و دانش خود، دست به قلم می‌شد اما معتقد بود نقد کردن ادبی دارد که باید رعایت شود. او با استناد به آیه‌ای از قرآن می‌گفت: «خداوند به ما سفارش می‌کند که دشمنی شما با گروهی باعث نشود که از عدالت خارج شوید. «اغدلوا هوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر (از هر عمل) است. (آیه ۸ سوره مبارک مائده)». دکتر توکلی، بر چند ویژگی نقد منصفانه تأکید می‌کرد:

- نقد باید انسانی و اسلامی باشد.
- هم‌خوبی‌ها و هم‌بدی‌ها را ببینیم.
- اخلاق را مدنظر داشته باشیم.
- اسیر تمایلات شخصی نشویم.
- از حقیقت دور نشویم.
- انصاف داشته باشیم.
- مطالعه داشته باشیم.
- نقدمان مبنای علمی داشته باشد.
- به علم وفادار باشیم.
- به عدالت رفتار کنیم.
- اخلاق را مدنظر داشته باشیم.
- هنگام خشم، نقد نکنیم.
- حرف‌های شعاری نزنیم.
- به حقوق طرف مقابل احترام بگذاریم.
- یادمان باشد که نقد معنایش دشمنی با افراد و سلاطین مختلف نیست.

پرهیز از اسراف در روز خاکسپاری فرزند

در گذشت محمد توکلی، یکی از تلخ‌ترین اتفاقات برای خانواده توکلی بود. محمد مدت‌ها از بیماری رنج می‌برد. تلاش پزشکان برای نجات جان او بی‌نتیجه ماند و محمد توکلی که از طراحان گرافیک خوش‌ذوق بود ۲۸ بهمن سال ۱۳۹۶ در گذشت. احمد توکلی در مراسم ترجم فرزندش، در حالی که به شهسود متاثر بود، از شرکت‌کنندگان خواست از چاپ پیام تسلیت در مطبوعات، ارسال دسته گل و بنر تسلیت خودداری کنند و گفت: «بنازی به هز بنه‌های زاید و تشریفات نیست و اطمینان دارم روح فرزندم از این اقدام عزیزان شاد خواهد شد». گلزار آستان امامزاده عینعلی، زینعلی^۱ برای خاکسپاری محمد پیشنهاد شد، اما دکتر توکلی به‌دلیل گران بودن قبر در این امامزاده، مخالفت کرد. پس از باخبر شدن نزدیکان از این موضوع، برادر شهیدی که با خانواده هم نسبت داشت، پیشنهاد کرد: «من در امامزاده مذکور ۲ قبر دارم که نیت دارم یکی از آنها را برای خاکسپاری محمد اختصاصی دهم.»



آخرین گفت‌وگو با دکتر احمد توکلی

رسیدن به اهداف بزرگ بدون ریاضت غیر ممکن است

احساس من نسبت به همسر من ۲۴ بهمن سال ۱۳۴۹ است
او همیشه در همه سختی‌ها همراه من بوده است



کتابخوانی و تشویق به مطالعه

علاقه به مطالعه و تشویق به کتابخوانی یکی از ویژگی‌های دکتر احمد توکلی بود. بهیچ‌حسینی می‌گوید: «کتابخوانی در خانواده ما عادت همیشگی بود و این علاقه در فرزندانمان هم از دوران کودکی وجود داشت. بچه‌ها اقتدر با کتاب مانوس شده بودند که مهدی از همان ۷ سالگی کتابخانه اختصاصی داشت. من هم تا جایی که می‌توانستم برای بچه‌ها قبل از خواب کتاب می‌خواندم.»

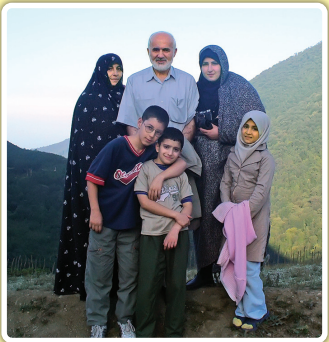
هدیه‌ای که سبب خیر شد!

احمد جلالی از دوستان نزدیک احمد توکلی بود و رفاقت آنها به دوران دانشجویی برمی‌گشت. همسر دکتر توکلی از روزی می‌گوید که ماموران ساواک برای بازرسی و پیدا کردن اعلامیه به خانه آنها آمدند و هدیه احمد جلالی را پیدا کردند: «زندگی را به دور از تشریفات و در اتاق کوچک اجاره‌ای شروع کرده بودیم. صاحبخانه در گوشه‌ای از حیاط فضایی کوچک به‌عنوان آشپزخانه ما در نظر گرفته بود. در راهرو ورودی خانه رختخواب‌های اضافی را گذاشته بودیم و به‌عنوان مخفیگاه اعلامیه‌ها از آن استفاده می‌کردیم. یک روز ماموران ساواک به خانه ما آمدند. حین بازرسی یکی از ماموران با این تصور که اعلامیه‌ای پیدا کرده، بر گه‌ای را از لای کتاب‌ها بیرون کشید! دست‌خطی بود که احمد جلالی از دوستان هم دانشگاهی حاج آقا برای تبریک ازدواج‌مان به ما داده بود و یکی از آیه‌های قرآن را با خطی خوش نوشته بود. امضای احمد جلالی که او هم از دانشجویان مبارز بود می‌توانست در دسرساز شود، اما خدا را شکر با خواندن این آیه «وَعَلَّمْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سُبْحَانَ» چشم و گوش ماموران بسته شد و در گزارش آنها نامی از احمد جلالی نیامده بود.»

کلیس خالده خورشیدی

سیده بهیچه حسینی:

دعوا کردن بلد نبودیم



«۵۳ سال زندگی مشترک برای ما خاطرات بسیاری بر جای گذاشته»، سیده بهیچه حسینی با بیان این جمله برای‌مان می‌گوید که ارتباط حسنه زن و شوهر روی تربیت فرزندان تأثیر مثبتی دارد: «از همان شروع زندگی مشترک‌مان من و حاج‌آقا را هم عهد کردیم که اگر از هم دلخوری داشته‌یم به روز بعد مو‌گول نکنیم. عهد کرده بودیم با صحبت کردن همدیگر را قانع کنیم یا اشتباه خود را بپذیریم. معتقدم بسیاری از اختلافات میان زن و شوهرها که تبدیل به دعوی غیر قابل حل می‌شود نتیجه انباشته شدن دلخوری و ناراحتی‌هاست. قرار نیست همدیگر را محکوم کنیم یا حرف خود را به کرسی بنشانیم. اگر عواطف میان جر و بحث کنند قوی نباشد و بخواهند دائم جر و بحث کنند حتما تأثیر منفی روی بچه‌ها دارد. بچه‌ها به‌ما می‌گفتند شما دعوا کردن بلد نیستید!»

بچه‌ها مستقل بودند

■ سیده بهیچه حسینی به دو نکته تربیتی از دیدگاه احمد توکلی تأکید دارد: «در خانه، هر کدام از بچه‌ها وظیفه‌ای بر عهده داشتند. پدرشان تأکید داشت که آنها باید از همان کودکی مستقل بار بیایند. به‌خصوص درباره پسرهای تأکید را داشت تا بتوانند کارهای مربوط به خودشان را انجام دهند. یادم هست فرزند اول‌مان، مهدی ثبت‌نام کلاس پنجم دبستان را خودش انجام داد. پدرش پرونده تحصیلی‌اش را به او داد که به مدرسه برود و ثبت‌نام کند. حتی از زمانی که ۱۵ سال داشت از او می‌خواست خرید نان را برای انجام بدهد. برای بچه‌ها کتاب می‌خرید و مفصل با آنها صحبت می‌کرد. وقتی دخترها به سن تکلیف می‌رسیدند از آنها می‌خواست که دیگر با پسرهای نوجوان قایل‌بازی نکنند. با آنها صحبت می‌کرد و منطق خودش البته با زبان شیرینش که آکنده از تمثیل و داستان بود عرضه می‌کرد تا مجاب شوند و خودشان این تصمیم را بگیرند.»

روز به یادماندنی

خانم حسینی در ادامه یکی از به یادماندنی‌ترین خاطراتش از آزادی احمد توکلی در روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۵ را برای‌مان تعریف می‌کند: «همراه با مهدی، نخستین فرزندمان، از مازندران به تهران آمدم تا حاج‌آقا را در زندان اوین ملاقات کنم. آن زمان قانون زندان این بود که هر عمامه اجازه ملاقات می‌دادند و چون ۲ روز قبل مادرش با احمدآقا ملاقات کرده بود به من اجازه ندادند. به خانه خواهر احمدآقا رفتیم. مادرش مدام اشک می‌ریخت و می‌گفت من خبر نداشتم! کاش تو به ملاقات می‌رفتی. من گفتم قسمت این بود. ان‌شاءالله خودش آزاد می‌شود. در همین حین صدای زنگ بلند شد و از نوع زنگ دانش متوجه شدم احمدآقا آزاد شده است.»

شهره کیانوش‌راد

دکتر احمد توکلی، سیاستمدار شناخته‌شده‌ای بود که تجربه حضور در مسئولیت‌های مختلف را در کارنامه سیاسی خود داشت. او پیش از انقلاب اسلامی از دانشجویان فعالی بود که بارها به زندان افتاده بود. مدتی بود که به علت بیماری، حضور کمتری در محافل سیاسی داشت اما همچنان اخبار را رصد می‌کرد و هر جا لازم بود، دست به قلم می‌شد تا نقدهای دلسوزانه‌اش را به مسئولان برساند. مهمان خانه او شده بودیم تا بر ایمان از زندگی‌اش بگویید که با حوادث انقلاب پیوند ناگسستنی داشته‌است او که پدر ۲ دختر و ۵ پسر بود در این گفت‌وگو خودمانی، بر ایمان از اهمیت خانواده و نقش همسرش در زندگی مشترک صحبت کرد.



آقای دکتر، ما از فرزندان و دوستانتان شنیده‌ایم که شما خیلی هوای حاج‌خانم را دارید.

من کی‌ام؟ لیلی، و لیلی کیست؟ من ما یکی روحیم اندر دودن این بیست از مولانا وصف حال من و حاج‌خانم در سال‌هایی است که با هم زندگی کرده‌ایم و به‌ظنرم بهترین توصیف است. حقیقتاً احساس من نسبت به ایشان مثل احساس ۲۴ بهمن سال ۱۳۴۹ است. ما آن پنج‌و‌دوسه سال است با هم زندگی می‌کنیم. هیچ‌وقت با هم رفتاری تند یا خارج از ادب و احترام نداشته‌ایم. البته طبیعی است که اختلاف نظر وجود داشته و گاهی پیش آمده که از هم دلخور شویم، اما مدت‌ش کوتاه بوده و خیلی زود به‌طرف شده‌است. همان ابتدا ما با هم وعده‌هایی دادیم و قول و قرارهایی گذاشتیم که تا آخر به آن پایبند باشیم و بوده‌ایم.

شما چهار بار توسط ساواک دستگیر شدید، همسران‌تان می‌دانستند که قرار است زندگی با مردمی انقلابی را شروع کنند و در راهی سخت قدم بگذارند؟

بله. هدی‌ای از طرف دوست خوبم آقای احمد جلالی بود. من و احمدآقا هم دانشگاهی بودیم. آیه‌ای از قرآن را همراه با ترجمه و با خطی خوش نوشته بود که به‌عنوان هدیه عقد به من داد. در حاشیه آن هم از طرف خود و همسرش، ازدواج ما را تبریک گفته بود. احمد این آیه را قاب کرده بود و هنگامی که می‌خواست به تهران بیایم پای اتوبوس آمد و این هدیه با ارزش را به من داد. آیه ۴۶ سوره سبا بود با این ترجمه: «بگو که من یک سخن‌شمارا پند می‌دهم و آن این است که شما خالص برای خدا دو نفر و نفر با هم یا هر یک به تنهایی قیام کنید و درباره من عقل و فکرت به کار بندید.»

آقای دکتر، الان و بعد از این همه سال مبارزه و فعالیت سیاسی، رنج و بیماری جسمی و احیاناً نامهربانی‌هایی که دیده‌اید، اگر به گذشته برگردید، همین راه را انتخاب می‌کنید؟

آقای دکتر، الان و بعد از این همه سال مبارزه و فعالیت سیاسی، رنج و بیماری جسمی و احیاناً نامهربانی‌هایی که دیده‌اید، اگر به گذشته برگردید، همین راه را انتخاب می‌کنید؟

از مسیری که انتخاب کردم، پشیمان نیستم. به هر حال «هر که طووس خواهد، جور هندوستان کشد...». رسیدن به اهداف بزرگ، بدون ریاضت و سختی غیر ممکن است.

نگاهی کوتاه به زندگی احمد توکلی

۱۳۵۹

نماینده مجلس شورای اسلامی از بهر شهر

۱۳۶۰

وزیر کار و سنجگوی دولت میرحسین موسوی

۱۳۶۲

استعفا از کابینه و ادامه فعالیت به‌عنوان مشاور مرتضی‌نبوی، وزیر پست و تلگراف و تلفن

۱۳۶۴

تأسیس روزنامه رسالت به همراه جمعی از سیاست‌پویان

۱۳۶۸

تحصیل در رشته اقتصاد، مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی



۱۳۷۵

دریافت مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه ناتینگهام انگلستان

۱۳۷۶

تأسیس روزنامه فردا

۱۳۸۲

تا ۱۳۹۴ نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی



۱۳۸۶

تأسیس پایگاه خبری تحلیلی «الف»

۱۳۹۲

بازنشستگی از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۹۴

عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام



۱۳۳۰

تولد در بهر شهر



۱۳۴۸

شروع تحصیل در رشته برق در دانشگاه شیراز



رفیق وسط، نفر ششم، کنار مدیر مدرسه

۱۳۴۹

ازدواج با بانوسیده بهیچه حسینی



۱۳۵۰

اخراج از دانشگاه به‌دلیل اعتصاب و فعالیت علیه رژیم پهلوی

۱۳۵۰

دستگیری توسط ساواک و زندانی شدن در زندان کریم‌خان زند به مدت ۸ ماه

۱۳۵۱

گذراندن سربازی بعد از زندان و محکومیت اول



۱۳۵۸

مسئول کمیته انقلاب و دادیار دادسرای انقلاب اسلامی در بهر شهر